

حسین مسافر آستانه در گفت‌وگو با «شرق» تاکید کرد

قاچاق؛ مهم‌ترین دلیل رکود فیلم‌ها



فرانک آر تا

حسین مسافر آستانه از عالم نمایش با هر عرصه سینما گذاشت. این کارگردان تئاتر و از مدیران اسبق حوزه نمایش، چند صبحی است ریاست موسسه رسانه‌های تصویری را عهده‌دار شده؛ موسسه‌ای پر حاشیه که این روزها بحث‌های زیادی درباره‌اش وجود دارد. برخی بر علل وجودی آن تردید دارند و خواستار انحلالش هستند و عده‌ای معتقدند این موسسه باید اصلاح و تقویت شود. در گفت‌وگو با حسین مسافر آستانه، به این حواشی و مسایل پرداختیم.

✚ در مدت حضورتان در موسسه رسانه‌های تصویری با چه مسایلی مواجه شدید؟
موسسه می‌تواند نقش بسیار بسزایی در فعالیت نمایش‌های خانگی داشته باشد و اساساً وظیفه ذاتی‌اش هم همین است. شاید در دوره گذشته این موسسه وارد تولید شد. از دوری‌ای که بنده وارد این عرصه شدم تلاش زیادی کردم که خارج از حیطه وظیفه سازمانی این موسسه، تعهدی ایجاد نکنم. در زمینه نمایش خانگی کارهای انجام‌نشده و زمین‌مانده، زیاد داریم. موسسه باید در ارتقای تولیدات ویژه نمایش خانگی نقشی موثری داشته‌باشد.

✚ در نخستین جلسه مطبوعاتی شما که حضور داشتیم به مواردی از عملکرد این موسسه در گذشته اشاره شد که به‌نظرم هیچ ربطی به مأموریت ذاتی موسسه رسانه‌های تصویری نداشت. تاحدی که می‌توان نام آن را به موسسه «برگزاری برنامه‌های متنوع، تغییر دادا مثلاً اشاره کردید که حمایت از تولیدات سینمایی را مدنظر دارید که شامل تولید آثار مستند است. در حالی که جزو وظایف مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است یا حمایت از تولیداتی که از نظر فرهنگی مهم‌اند و قرار است موسسه نقش لجستیک داشته باشد و… در واقع موسسه رسانه‌های تصویری هم کار کرده، جز اینکه به موضوع نمایش خانگی بپردازد. حال در این دوره چگونه می‌خواهیدعمل کنید؟

به نظرم سوپرداشت شده است. تولید فیلم مستند ربطی به ما ندارد. فیلم مستند تعریف مشخص و مرکز جداگانه‌ای دارد؛ عرض کردم استثناها به دلیل نیاز نمایش خانگی به بعضی از موضوعات در گذشته در اینجا یکی، دو مستند تهیه کردیم. آن مستندهایی که تهیه‌شده به نظرم اتفاقاً خیلی هم ضرورت داشته است.

✚ مثلاً؟

مجموعه آرزوهای عاشورایی با مجموعه تلاوت قرآن کریم توسط قاریان معتبر دنیا. کار فرهنگی و بزرگی است و جز از طریق این موسسه نمی‌توانست در دسترس خانواده‌ها قرار بگیرد.

✚ نظرتان درباره عملکرد مدیر قبلی این موسسه چیست؟

اعمال گذشته به وظایف سازمانی من ربطی ندارد.

✚ اما بخشی از مشکلات شما، ناشی از عملکرد گذشتگان است؟

در مورد گذشته هر چه صحبت کنیم هیچ مشکلی حل نمی‌شود. اینکه امروز عملکردم را مقایسه با گذشته تفاوت دارد، مهم است. چون وظیفه مدیریتی و اخلاقی‌ام این اجازه را به من نمی‌دهد؛ حتماً مدیران گذشته باید باشند و در حضور هم در مورد عملکردشان صحبت کنیم.

✚ برای اداره بهتر موسسه چه اهدافی مدنظر تان است؟

اگر نیاز به نمایش خانگی به ضرورت توسط سایر مراکز مرتفع نشده باشد، باید بخش‌های دولتی و خصوصی، این نیاز را مرتفع کنند؛ هم به‌لحاظ فرهنگی و هم به لحاظ اقتصادی. قسمتی‌ا که از نظر اقتصادی می‌توانند اثر پررنگ‌تر باشند توزیع به عهده پدیدار است و کسی هم نمی‌تواند ایراد بگیرد که چرا فنان موسسه خصوصی نمایش خانگی در حوزه مستند فیلم می‌سازد.

✚ من در مورد بخش دولتی صحبت می‌کنم، نه خصوصی؟

هیچ فرقی نمی‌کند. مسوولیت تأمین فیلم‌های نمایش خانگی به عهده ماست. شواجز وجود دارد که در این امر تصمیم‌گیری می‌کنند. برآیند نظرات آنها منجر به این می‌شود برای رفع نیاز جامعه وارد عمل شد. بنابراین مسوولیت توزیع به عهده بخش خصوصی است. ما فقط کارمان از نظر فرهنگی تأمین منابعی است که این منابع باید در توزیع خانگی به دست خانواده‌ها برسد. ما خرید آثار تولیدشده که مورد نیاز خانواده‌است را جزو وظایفمان می‌دانیم. در حال حاضر تولید فیلم به معنای «سینمایی»، وظیفه بنیاد سینمایی قارایی است، منهای کارگردان‌هایی که کار اولشان را می‌سازند که در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی کار می‌کنند. و فیلم‌ها کوتاه هم در انجمن سینمای جوانان تهیه می‌شوند. متولی تولید فیلم ویدئویی جز در موسسه رسانه‌های تصویری در بدنه دولت جای دیگری ندارد. بنابراین وظیفه موسسه، تولید و مشارکت در تولید است و در حد توشش، با توجه به ظرفیت خودش و حتی در تعاملی که با بخش خصوصی دارد وارد عمل می‌شود. آسیب‌هایی که در دوره گذشته در نمایش خانگی شکل گرفته به‌خوبی خودش را نشان داده که اگر موسسات، فعالیتی عمل کنند و فقط به آثار تولیدشده توجه کنند و نقشی در تولید نداشته باشند با آثار بسیار ضعیف و گاه ضعیف‌روبرو خواهند شد و گاه این آثار بسیار نازل سروسازی مطبوعاتی و عموم مردم را درآوردند است.

✚ یکی از مشکلات اساسی سینمای ایران توزیع و پخش فیلم‌هاست. شما می‌گویید فیلم‌های ویدئویی و بعضاً تلف‌فیلم تهیه می‌کنید. آیا به این موضوع فکر کرده‌اید که خریداران این فیلم‌ها چه کسانی هستند؟ مثلاً اگر خانواده‌ای می‌خواهد مبلغی را به محصولات فرهنگی اختصاص دهد، ترجیح می‌دهد فیلم بلند سینمایی یا حضور ستاره‌ها را خریداری کند یا فیلمی که فیلمساز و بازیگر ناشناخته دارد. آیا به این فکر هم فکر می‌کنید که وضعیت باره‌اتحاد اقتصادی چه خواهد شد؟

به نکته خوبی اشاره کردید. گفتم اولویت ما فرهنگی است و اولویت اقتصادی نداریم. باید نگاه اقتصادی هم داشته باشیم و ذایقه اجتماعی را در نظر بگیریم. اینکه می‌گوییم در تولید نقش داشته باشیم، اتفاقاً به دلیل توجه به مخاطب است. سوز‌هایی که ممکن است مورد توجه قرار نگیرد موردنظر ما نیست. ممکن است استثناثاتی وجود داشته باشد اما جو عمومی، جو دلخواه ماست اما نه در سطحی پایین. باید قشر متوسط به بالا را در نظر بگیریم.

✚ اگر فقط به قشر متوسط به‌بالا توجه کنید، در آن صورت دچار ریزش مخاطب نمی‌شوید؟

ما می‌خواهیم قشر متوسط به‌پایین را که از نظر کمیت هم زیاد هستند به متوسط به‌بالا ارتقا‌دهیم.

✚ به صورت طبیعی دولت باید همیشه به قشر آسیب‌پذیر توجه کند. اگر بخواهید قشری که امکانات مالی تحصیلات را دارد، کمک کنید کار شاقی انجام نشده، چون او خودش از عهده‌اش برمی‌آید و امکاناتش را هم دارد. اما وقتی قشر محرومی را به فیلم دیدن عادت دهید، در آن صورت کار بزرگی انجام داده‌اید. مورد دیگر اینکه آیا می‌توانیم مدعی باشیم به‌لحاظ کیفی در سطح عالی هستیم. در حال حاضر فیلم‌های سینمایی فاخر مان هم مشکل دارد. آیا ناگهان بیش از اینکه واقعی باشد، آرمانی نیست؟

به نظرم باید مقداری زاویه نگاهمان را همسو کنیم تا به نتیجه بهتری برسیم. آنچه از قشر متوسط فرهنگی به بالا گفتم از نظر نوع سلیق اجتماعی حاکم بر جامعه عرض کردم و گفتم فیلم‌ها را براساس سلیاق آنها تولید کنیم تا بقیه براساس آن بالا کشیده شوند. شما سلیاق فرهنگی را با ساختار تولید فیلم سینمایی توضیح دادید که مدنظر من نیست. علت اصلی اینکه بعضی از فیلم‌های سینمایی ایران در محافل صاحب‌سبک مورد استقبال قرار می‌گیرد ساخت‌های عجیب و غریب نیست، بلکه محتوای فرهنگی و نجیبش است. پس کافی است جلوی ضایعات را با ال‌گوسازی بگیریم. در سینمای ایران گاهی ضایعاتی می‌بینیم، اما سینمای ایران ثابت‌کرده استعدادهای درخشانی دارد که

می‌تواند با ساختن فیلم خوب و ساده، مورد پسند مردم ایران و دنیا شود.

✚ سینمای ایران از نظر اقتصادی خیلی نحیف است و اگر شاهد در خشش‌هایی بودیم به دلیل تلاش فردی فیلمسازان بوده، نه حاصل سیستم فعال و منسجم درون سینما

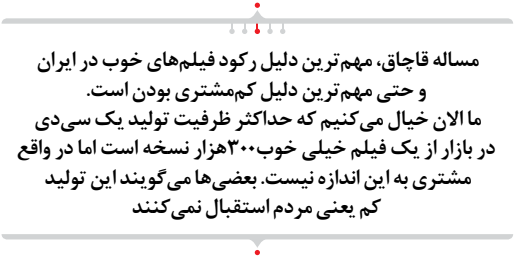
گردش اقتصادی، یک‌شبه شکل نمی‌گیرد.

✚ صریح بگویسم دولت بودجه ندارد و نمی‌خواهد ریخت و پاش‌های دولت قبلی را تکرار کند. در واقع راهکاری در نظر می‌گیرد که از پتانسیل‌های خارج از سازمان‌های دولتی استفاده کند تا آسیب‌های گذشته را جبران کند. در این مسیر اگر موسسه رسانه‌های تصویری بخواهد آنگونه که شما می‌گویید عمل کند، به نتایج آتی نخواهد رسید. در این مدت هم، موسسه بازدهی‌ای به آن معنا نداشته؟

فروش نمایش خانگی با معیارهای شما قابل اندازه‌گیری نیست. فروش نمایش خانگی در چندسال گذشته در اوج بود. حتی می‌خواهم بگویم جریاناتی که شکل گرفت و نبودن تدبیر نظارت بر این جریانات و وادادن این مسایل، لطامات جبران‌ناپذیری وارد کرد. مساله قاچاق، مهم‌ترین دلیل رکود فیلم‌های خوب در ایران و حتی مهم‌ترین دلیل کم‌مشتتری بودن است. ما الان خیال می‌کنیم که حداکثر ظرفیت تولید یک سی‌دی در بازار از یک فیلم خیلی خوب ۲۰۰ هزار نسخه است اما در واقع مشتتری به این اندازه نیست. بعضی‌ها می‌گویند این تولید کم یعنی مردم استقبال نمی‌کنند. میلیون‌ها نسخه از همان سی‌دی در کشور پخش می‌شود و مردم می‌بینند. این مشکل از فیلم‌ها نیست. مشکل از سیستم است.

✚ چرا وارد مبارزه با این سیستم معیوب نمی‌شوید؟

سیستم تعریف دارد. ما جایمان در سیستم آنجاست که فیلم خوب تولید کنیم که هم رعایت موازین فرهنگی و هم بازدهی فرهنگی داشته باشد. اینکه صدهزار نسخه سی‌دی به دست مردم می‌رسد، به این معنی نیست که این فیلم، بد بوده و بازدهی اقتصادی نداشته است. به این معنی که از همین نسخه‌ها چندین میلیون نسخه در کشور پخش شده مشکل جای دیگر است. این‌طور نمی‌توان معیار خوب و بد یک فیلم را به لحاظ



مساله قاچاق، مهم‌ترین دلیل رکود فیلم‌های خوب در ایران و حتی مهم‌ترین دلیل کم‌مشتتری بودن است. ما الان خیال می‌کنیم که حداکثر ظرفیت تولید یک سی‌دی در بازار از یک فیلم خیلی خوب ۲۰۰هزار نسخه است اما در واقع مشتتری به این اندازه نیست. بعضی‌ها می‌گویند این تولید کم یعنی مردم استقبال نمی‌کنند

فرهنگی و اقتصادی ارزیابی کرد. نمی‌توانیم بگوییم تعداد فیلم‌های تولیدشده در موسسه فنان اینقدر نازل است. پس این فیلم، خوبی نبوده و مردم آن را نپسندیده‌اند.

✚ چطور متوجه این موضوع می‌شوید؟

آمار غیر رسمی‌ای که در این زمینه وجود دارد و به‌راحتی هم قابل دسترس است،

نشان می‌دهد که این فیلم به‌راحتی در بازار قاچاق به تعداد بسیار زیاد و غیرمجاز تکثیر شده و با قیمت حقالقی به دست مردم می‌رسد. تا زیر ساخت مسایل اقتصادی در جامعه درست نشود نمی‌توانیم اقتصاد را مبنای فعالیت فرهنگی قرار دهیم. اشارات شما درست است اگر فعالیت اقتصادی نباشد هر چقدر هم پول تزریق شود، نمی‌توانیم شاهد تحول و ارتقا باشیم. مهم‌ترین مورد، قاچاق در فضای مجازی است. قاچاق در فضای مجازی پدید می‌کند. یعنی دزدی آشکار در فضای مجازی روی سایت‌هایی که رسماً مجوز دارند آنقدر زیاد است که باید دست مردم را بوسید که همین تعداد سی‌دی را هم رغبت‌تاری خریداری می‌کنند.

✚ بعد از نظر شما شرایط تا این حد بد است؟

بله. مثلاً فیلمی در روز دوم کارتش، به‌راحتی از طریق سایت‌های مجاز با مجوز دولت قابلیت دالود کردن دارد، در این حالت، چه رغبتی ایجاد می‌شود که مردم به سینما بروند یا منتظر شوند سی‌دی این فیلم وارد بخش خانگی شود؟

✚ البته زمانی ستاد مبارزه با قاچاق در موسسه تشکیل شده بود، چطور دولت این رویه را پیگیری نکرد؟

استاد امروز نوع مبارزه با قاچاق دیگر شبیه گذشته نیست. آن زمان تکثیر سی‌دی و پخش آن در کل کشور از طریق غیررسمی بود که تولیدکنندگان و انبارهای قاچاق را شناسایی می‌کردند که تیم ضربتی خوبی وارد عمل می‌شد و یکی از دوره‌های درخشان مبارزه با قاچاق همان دوره بود. متأسفانه در چهار سال گذشته دولت قیل، نمی‌داند به چه دلیل این ستاد به بدنه وزارت ارشاد منتقل شد. در بدنه وزارت ارشاد دیگر فعالیت رسمی ادامه پیدا نکرد و بیشتر حالت دیده‌خانه داشت. در دوره قبلی نیروی انتظامی، قوه قضاییه، نمایندگان ما در سراسر کل فرهنگت و ارشاد اسلامی دست‌به‌دست هم دادند و مراکز را شناسایی می‌کردند و قاچاق به حداقل رسید. نسخه فروش هر سی‌دی به بیش از چندمیلیون رسیده بود. البته الان آن ستاد بسیار لازم و ضروری است اما کافی نیست. ولی برای آن زمان کافی بود.

✚ اگر همان زمان این روند ادامه پیدا می‌کرد، الان شاهد تاساماتی‌ها نبودیم؟
بله. منتها الان فضای قاچاق دیگر فضای تولید و تکثیر سی‌دی غیرمجاز نیست. فضاهای غیرمجازی اینترنت بزرگ‌ترین ضربه را می‌زنند، به طوری که جنس قاچاق به نیروی قاچاقچی‌ها هم نیاز ندارد!

✚ اما به نظر تان با سرعت کم اینترنت در ایران این اتفاق یک مقدار بعید به نظر نمی‌رسد؟
اما این سرعت کم شاید استثناثا اینجا یک حسن تلقی شود. تازه در این میان بسیاری از شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور را چه کنیم که فیلم‌های قانونی‌پخش می‌کنند؟

✚ با این معضل چگونه می‌توان برخورد کرد؟ چون فیلمسازانی که در چارچوب

سینمای ایران



حسین مسافر آستانه

نظام جمهوری اسلامی کار می‌کنند، علاقایی به نمایش فیلم‌هایشان در شبکه‌های ماهواره، با وضعیت بد تبلیغات کالا‌ها به صورت زیر نویس یا میان‌برنامه ندارند.

یکی از اعتراضات مداوم تهیه‌کنندگان همین است که به نظرم در این مورد مشکل قانونگذاری داریم؛ یعنی قانونی برای این کار وجود ندارد. البته الان خوشبختانه فضاهای مجازی مقداری مشمول قانون شده‌اند و گر نه مدت‌ها از سایت‌ها و فضاهای مجازی قابلیت پیگیری نداشتیم. الان پلیس فتا تشکیل شده و تا حدی برای این امر تدابیری اندیشیده‌اند. اما به طور کل بحث کیی‌رایت و قانون به رسمیت‌شناختن حقوق رایت مطرح است. البته این مساله فقط در حوزه فیلم نیست و در همه حوزه‌ها مطرح است. به نظرم مجلس باید وارد فاز مطالعاتی جدی و دقیق در این زمینه شود. چون ما امکان اینکه از یک کشور خارجی شکایت کنیم که حقوق آثار هنری ما را نادیده گرفته است، نداریم. این معضلی است که نه من به‌عنوان مدیر شیر این موسسه و نه وزارت ارشاد به تنهایی از عهده آن برنمی‌آید و از حدود اختیارات دولتی خارج است.

✚ شما به‌عنوان مدیر می‌خواهید که در موسسه مثل گذشته ستاد مبارزه با قاچاق وجود داشته باشد؟

هم مایلیم و هم مورد تقاضای تهیه‌کننده‌ها و موسسات خصوصی است. چون همه کسانی که سرمایه‌گذاری می‌کنند در این میان متضرر می‌شوند و احساس امنیت هم نمی‌کنند. بر ضریحی خودشان را هم از دولت مطالبه می‌کنند که این خود مشکل بزرگ‌تری است که پیش‌بینی نشده است و روی دوش دولت اضافه می‌شود.

✚ خاطرم است در ابتدای یکی از فیلم‌های ایرانی متعلق به نمایش خانگی کلبیی بود که می‌گفت شما کتاب، سی‌دی و… نمی‌دزدید، اما همان کلیپ خارجی هم کپی بود!

به نظرم در این زمینه آگاهی‌بخشی نکرده‌ایم.

✚ البته در مقطعی آیات عظام، نظرات‌شان را درباره موضوع قاچاق نمایش خانگی اعلام کردند و رای به جایز نبودن و حرام بودن عمل قاچاق فیلم‌ها دادند؟
بله. خوشبختانه آیات عظام در این مورد فتاوهایی دادند و ما هم باید برای گرفتن فتواهای جدیدتر اقدام کنیم و روی آنها مأمور دهیم. مردم ما واقعا مردمی هستند که اگر این آگاهی را داشته باشند و باور کنند که کارشان کمک به قاچاقچیان است، این کار را نمی‌کنند. خود مردم بهترین عامل برای دفع قاچاق هستند.

✚ با این حال برای کل معضل قاچاق چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟

به نظرم هر مدبری در هر پستی و در هر جایی که قرار دارد، باید در این امر دست در دست هم بگذارد. مهم‌تر از همه، شهرداری‌ها هستند. شهرداری‌ها به جهت داشتن ظرفیت تبلیغی بالا در سطح شهر‌ها باید بخشی از این ظرفیت را به این امر خیر و اسنادوستانه اختصاص دهند و مدام به دنبال اجاره‌دادن بلبورددهایشان به مراکز تجاری نباشند. این امر کاری صواب است که باید به‌عنوان اولویت کار فرهنگی برعهده هر کسی که ظرفیت تبلیغی خوبی در این زمینه دارد قرار بگیرد. مردم همه‌جانبه نیاز به این اطلاعات دارند. تلویزیون نقش بسیار مهمی در مبارزه با قاچاق دارد. تلویزیون در کنار این همه تبلیغات تجاری باید جایی را برای مبارزه با قاچاق کالاهای هنری اختصاص دهد و مردم را به نخریدن آثار قاچاق تشویق کند. اما عملیات ضربتی از جانب پلیس باید جای خودش را داشته باشد.

✚ موسسه رسانه‌های تصویری چه کمکی می‌تواند به شرکت‌های خصوصی نمایش خانگی کند؟

به لحاظ اقتصادی می‌توان کار‌ها را به آنها سپرد. کم‌ا اینکه الان شاهد هستیم فیلم‌های پر فروش سینمایی در بخش موسسات خصوصی وارد شبکه خانگی می‌شوند، یعنی ما اصلاً رقابتی برای خرید آثار پر فروش با این موسسات نداریم و اجازه می‌دهیم در این عرصه فعالیت کنند. اما اعتقاد داریم همه بار فرهنگی نمایش خانگی را نمی‌تواند بخش خصوصی بر عهده بگیرد، چون به لحاظ اقتصادی ورشکست می‌شود. بنابراین ما به کمک و پشتیبانی دولت خلاهایی را که وجود دارد، پر می‌کنیم.

✚ وضعیت پروژه ابرپاس به کارگردانی ناصر طالب‌زاده در موسسه چگونه است؟

اولین بار در جلسه مطبوعاتی‌ام با این سوال مواجه شدم و همکارانم گفتند احتمالاً مدیر قبلی این قول‌ها را داده و ما اطلاعاتی از قول شاهی یا داری نداریم و هیچ تعهدی انجام نشده بود، ضمن اینکه این موضوع اصلاً به موسسه ارتباطی پیدا نمی‌کند.

✚ موسسه به لحاظ بازدهی مالی چه شرایطی دارد؟

بازدهی مالی در سال گذشته تقریباً منفی بوده و تا الان هم ارزیابی ما این است که همچنان منفی است اما کمتر شده و امیدوارم تا پایان سال پایاپای کار را جلو ببریم.

✚ اعتبار مالی موسسه چقدر است؟

این بودجه تقریباً چهارمیلیارد تومان است که به نظرم اگر قرار باشد با این بودجه هم از سینما حمایت کنیم و هم در تولید نقش داشته باشیم بعد از یک فصل باید فعالیت موسسه را تعطیل کنیم. ضمن اینکه باید جشنواره فیلم یاس هم برگزار کنیم که تقریباً یکمیلیارد به جشنواره فیلم یاس اختصاص می‌یابد اما همین جشنواره هم با یک‌میلیارد برگزار نمی‌شود.

✚ آیا قرار است دبیر جشنواره فیلم فجر از موسسه منفک شود؟

اساساً هم جشنواره تحت پشتیبانی این موسسه برگزار می‌شود. جشنواره فجر از آنجایی که همیشه تحت پشتیبانی یکی از موسسات برگزار شده، خودبه‌خود مستقل نیست.

✚ شما با این مساله موافق نیستید؟

این نظر شخصی من است و توضیح دادم. اما اینکه نظر دولت چیست بحث دیگری است. به‌نظرم حتی اگر یک جشنواره برای سینما با استقلال صفر تا حد باید وجود داشته باشد جشنواره فجر است اما از بدو تأسیس جشنواره فجر تحت‌الحمایه یکی از موسسات بوده و هر بار بنا به سلیقه مدیران جابه‌جا شده است و خانه‌به‌دوش بوده. به نظرم جشنواره فجر ارزش این را دارد که به اندازه یک موسسه، استقلال مالی، مکتبی و نیروی انسانی داشته باشد. این تکلیف از چندسال قبل بر دوش موسسه گذاشته شده و من وظیفه خود می‌دانم به نحو بسیار مطلوب با تمام امکانات از جشنواره مهم فجر پشتیبانی کنم.

سینمای ایران

واکنش پنجم

خداوند دعا را زودتر از نفرین می‌شود



احترام برومند

جمعه‌شب به تاریخ سوم یا چهارم مرداد، آخر شب. خواب‌آلود. نظاره‌گر «هفت سینمایی» بودم. بعد از صحبت‌های مقدماتی مجری محترم، مهمانان برنامه که برای جلسه گفت‌وگو درباره فیلم «کلاشینکف» شتریف آورده بودند، معرفی شدند. جناب آقای سعید سهیلی کارگردان «کلاشینکف» که قبلاً فیلم «گشت ارشاد» را ساخته‌اند و سر کار خاتم اندیشه فولادوند، هنرپیشه فیلم «کلاشینکف»، بسیار خوب…

آقای سهیلی با اعتمادبنفس بسیار زیاد، با پیراهن آستین کوتاه و جلیقه مسدروز، یله‌داده روی صندلی‌ای که معمولاً دایم هم تکان می‌خورد؛ اول درباره شاهکار «گشت ارشاد» صحبت کردند و ظلمی که به این فیلم رفته و بعد درباره «کلاشینکف» و البته تمام این مدت با کلوزآپ‌های نان‌وآب‌دار حسلی…

نوبت به خاتم اندیشه فولادوند رسید. یک مدیوم‌شات چندثانیه‌ای از این خاتم گرفته شد و بعد با دینین همین چندثانیه می‌شد فهمید که خاتم اندیشه فولادوند سعی کرده بودند کاملاً حجاب خود را حفظ کنند؛ که الحق یک تار مو هم بیرون نبود. اما دیگر وقتی ایشان حرف می‌زدند یا صورت آقای گبرلو یا آقای سهیلی را می‌دیدید یا در یک لانگ‌شات فقط صدای ایشان را می‌شنیدید. بعد آقای مجری محترم اعلام کردند صحنه‌هایی از فیلم پخش شود و ببینند امیدوار که بالاخره صورت این بازیگر را در فیلم خواهد دیدم. اما درخ از اینکه لافل یک پلان از بازی این فیلم که تا ساعت دو بعد از نیمه‌شب اینجا نشسته است را نشان بدهند. تعجب در اینجاست که چرا قبلاً مسوولان برنامه کریم صورت و حجاب میهمان برنامه را چک نمی‌کنند و مورد تایید قرار نمی‌دهند تا این‌طور به یک میهمان برنامه اهانت‌نشد.

دیگر اینکه حداقل مهمانی که به عنوان هنرپیشه فیلم به برنامه دعوت می‌شود و با هیجان فیلمش را توجیه و تعریف می‌کند، حتی یک پلان از بازی او را نشان نمی‌دهند…! این بی‌احترامی و بالاخره آخرین اس این آیتم وقتی بود که آقای سهیلی خواستند در ارتباط با فاجعه و نسل کشی غزه همدردی کنند. نفرین کردند از ته قلب و خواستند دیگران هم همراه ایشان از خاوند بخوانند که آقای نتلیاهو یک سرطان ملس بگیرند. این هم افتاد به همه کسانی که به این بیماری مبتلا هستند. خوب شد نمردیم و فهمیدیم هر کسی سرطان گرفته مثلاً کودک معصومی که مبتلا به سرطان شده‌ان یا جوانانی که با این بیماری مهلک دست‌به‌گیر باشند و خلاصه همه سرطانی‌ها و همه کسانی که به انواع بیماری‌های کشنده و عجیب مبتلا هستند، کار بدی کرده‌اند که خاوند آنها را مستوجب چنین مجازاتی دانسته است.

با خودم فکر کردم به آقای کارگردان بگویم به‌جای نفرین… دعا کنید… دعا کنید مردم دنیا قربانی افرادی مانند نتلیاهو نباشند؛ دعا کنید مردم دنیا بازچه دست سیاست‌های کثیف و قدرطلبانه و ضعیف کش نباشند. دعا کنید سیاستمداران دنیا به‌جای سقوط در سبزیبایی حرض، طمع، قسوت، آدم‌کشی و قدرطلبی به راه حقانیت و انسانیت هدایت شوند و به آرامش و خوش‌بختی مردم بیندیشند. دعا کنید شرمسار تمام انسان‌هایی باشند که بی‌گناه قربانی می‌شوند.

فکر می‌کنم خداوند دعا را زودتر از نفرین می‌شود.



نمای نزدیک

نکاتی درباره « ردکاریت» سرخوردگی زیر پرچم



سحر عصر آزاد

«رد کاریت» فیلمی است درباره سرخوردگی یک انسان خوش‌خیال و بلندپرواز؛ فیلمی که قصد دارد تلخی این تجربه را با طنز لحظه‌ای تعدیل کند اما تا تبدیل‌شدن به یک فیلم کامل راه دارد.

دومین فیلم سینمایی رضا عطاران پس از «خوایم میاد» چند مولفه مشترک با اثر اولیه وی دارد. اولین مولفه حضور عطاران به‌عنوان همکار نویسنده یا نویسنده اصلی، کارگردان و البته بازیگر است که دومین مولفه مشترک را به فیلم می‌دهد؛ تأثیر گرفتن شخصیت اصلی از بخشی از کاراکتر واقعی عطاران که طبعاً در مسیر درام نقش دارد.

عطاران پس از همکاری با احمد رفیع‌زاده در نگارش فیلمنامه «خوایم میاد» برای دومین فیلمش دست‌به‌قلم شده و خودش نویسنده‌گی کار را برعهده گرفته است. البته فیلمنامه‌ای که به‌نظر نمی‌آید چندان قطور و پر از جزئیات و پیچ‌وخم‌های داستانی باشد بلکه تجربه‌ای در مواجهه با موقعیت‌های واقعی است که برخی از آنها ممکن است تنها یک‌بار

محقق شوند.

داستان یک خطی فیلم «رد کاریت» ماجرای یک بازیگر سیاهی لشکر است که مثل قهرمان «خوایم میاد» رضا نام دارد و برای رسیدن به رویایش و دیدار با کارگردانان مطرح جهانی راهی جشنواره فیلم کن می‌شود.

در ارسن فیلم هم با قهرمانی مواجه هستیم که به‌بنوعی پس زده شده و از شرایط و موقعیت خود راضی نیست و می‌خواهد تغییری در جایگاهش ایجاد کند، به همین دلیل حرکتی از درون خود به بیرون دارد. این حرکت در «خوایم میاد» محدود به خروج رضا از انزوا و ارتباط گرفتن با آدم‌های بیرون از دایره محدود زندگی‌اش بود که ماجراهای مهیجی از جمله تجربه عشق را وارد زندگی‌اش کرد.

در «رد کاریت»، این حرکت شکل بیرونی‌تری دارد و رضا به‌عنوان سیاهی‌لشکر وطنی که تلاش می‌کند خود را بالا بکشد، تصمیم

به جهشی یکباره می‌گیرد تا برای رساندن فیلمنامه‌اش به استیون اسپیلیبرگ و وودی آلن به جشنواره کن برود؛ جشنواره‌ای که می‌تواند نقطه‌طلایی آمال و آرزوهای هر عاشق سینمایی باشد.

در بخش ابتدایی فیلم با معرفی اولیه شخصیت رضا روبه‌رو هستیم



تا آنکیزه و هدف او برای حرکت مشخص شود که البته شروعی گویا و کلاسیک برای رافاتانر موتور درام فیلم است. اما پس از آن با آغاز سفر و شکل گرفتن موقعیت‌هایی که– به علت ناگزیر تقارن با زمان واقعی و شکل برگزاری جشنواره کن و حواشی و شرایط برگرفته از آن– فقط یک‌بار می‌تواند اتفاق بیفتد ساختار دراماتیک فیلم لطمه می‌خورد.

به این مفهوم که شاهد صحنه‌ها و موقعیت‌هایی هستیم که مشخص است در ساختار دراماتیک فیلمنامه و فیلم پیوستگی به یکدیگر ندارند بلکه تنها قرار است از شرایط لحظه‌ای موجودآمده، بهترین استفاده ممکن را ببرند و چه‌سا در کلیت فیلم کار کرد یا نقشی نداشته باشند. به گفته بهتر تنها وجه مشخص و قابل استناد در این مسیر، شخصیتی است به نام رضا که به‌واسطه خرده‌قصه‌های فرعی در بخش اولیه معرفی شده و حالا این شخصیت که به‌طور کامل هم شکل نگرفته، بر بستر موقعیت‌هایی که چندان قابل‌پیش‌بینی نیست حرکت کرده و کش و واکنش‌هایی دارد.

به دلیل همین ساختار که چه‌سا برای ساخت فیلمی اینچنین در ارتباط مستقیم با جشنواره کن اجتناب‌ناپذیر باشد، تنها ابتدا و انتهای مسیر حرکت رضا مشخص است. در حالی که بخش مهم میانی که نقشی تعیین‌کننده در چگونگی رسیدن رضا از نقطه الف به ب دارد– پایین‌افتادن رضا از ابر آروهایش به روی زمین و مواجهه واقعی با شرایط موقعیتی– به (هرچه پیش آید، خوش آید) واگذار شده است. از آنجایی که در ساختار کلی فیلمنامه‌ای که شالوده آن متناثر از لحظه و موقعیت‌های آنی است، چه‌سا جواب بدهد و موفق هم باشد اما در فیلمنامه‌ای که ساختار و چارچوب مشخص و آشنایی دارد و معرفی اولیه شخصیت با تکیه بر مولفه‌های آشنا، کاراکترهای فرعی و شرایط موجود پیش رفته، این تغییر لحن موجب عدم‌یکدستی کار و چندبارگی فیلم‌می‌شود.

به‌طور مثال از ابتدا قرار بوده رضا در پایان سفر کن به سرخوردگی از این جشنواره و آرزوها و آمالی که در سر می‌پرورانده، برسد یا حتی جایگاه جشنواره‌ها و ستارگان سینما در مواجهه با ماهیت واقعی آنها به چالش کشیده شود. طبعاً برای رسیدن به این فینال نیاز به کدها و طراحی درامی در بخش میانی برای رسیدن به این سرخوردگی بوده که بخش کوچکی از آن مواجهه با جوان ایرانی کلاهبردار تأمین شده است. اما از آنجا که شکل گرفتن این رابطه، بسط ای رفاقت و… در سطح حرکت می‌تند تا در کوتاه‌ترین زمان یک کد کاربردی داده شود و همه بخش میانی فیلمنامه اشغال نشود، این قصه فرعی به‌شدت قابل پیش‌بینی و کلیشه‌ای است. علاوه بر آن با فرض حدس‌زدن سرانجام این رفاقت، ویژگی‌های این دو کاراکتر و ترکیب آنها در کنار هم نیز نتوانسته کیفیتی جدید به این رابطه از پیش تعیین‌شده بدهد.

وجه دیگری که به‌نظرم می‌آید فیلم «رد کاریت» به‌شدت متکی آن است که هم‌زمان موقعیت‌های لحظه‌ای است که فقط یک‌بار امکان رخ‌دادن داشته و نویسنده– کارگردان هم نقشی در دراماتیزه کردن آنها ندارد. از مواجهه با جیم جارموش و تیلدا سونیتنن تا شوخی‌های لحظه‌ای برآمده از تضادهای فرهنگی و اجتماعی دو ملت که تنها در یک موقعیت و صحنه مشخص جاری و ثبت شده و از ارتباط و پیوستگی با باقی بخش‌ها پیدا نمی‌کنند و کارگردشان هم فراتر از همان لیخند لحظه‌ای نیست.

شاید به همین دلیل باشد که صحنه پایانی و کارکرد نمادین پرچم در موقعیت سرخوردگی و تنهایی رضا تبدیل می‌شود به سکانسی شعاری و اغراق شده که با لحن کلی فیلم همخوانی ندارد و بیش از هر چیز مسیر رسیدن رضا به این نقطه را سوال‌برانگیز جلوه می‌دهد چراکه از پیش تعیین شده است نه برآمده از مسیر درامی که در طول فیلم با تکیه بر موقعیت‌های لحظه‌ای دنبال شده است.